

پرسش ۱۱۰: آیا انبیا ارث می گذارند یا نه؟!

السؤال / ۱۱۰ : بسم الله الرحمن الرحيم، السيد أحمد الحسن (ع)، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

لي صديقة سنية وقد طرحت عليّ بعض الإشكالات التي حيرتني وهي:
توجد عندنا روايات عن الصادق (ع) ما مفاده إنّ الأنبياء لا يورثون فكيف نقول إنّ هذه الرواية موضوعة.

المرسل: شيماء حسن علي

بسم الله الرحمن الرحيم، سيد احمد الحسن (ع)، سلام عليكم و رحمت الله و بركاته.
دوستی سنی دارم که برای من بعضی شبهات را مطرح کرده که مرا حیران نموده است؛ از جمله:

روایاتی از امام صادق (ع) داریم که مضمون آنها چنین است که انبیا ارثی به جا نمی گذارند؛ حال ما چگونه می گوییم که این روایتها موضوعیت دارد؟

فرستنده: شیماء حسن علی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

الأنبياء (ع) لا همّ لهم في الدنيا وجمع تراثها، ولكن ربما حصل لسبب ما، أن يكون شيء من تراث الدنيا في حوزتهم؛ ولذا فهم في الغالب لا يتركون لورثتهم

شيئاً من تراث الدنيا، فهم لا يورثون، أي: إنهم لا يهتمون بجمع شيء من تراث الدنيا لورثتهم.

۱ - انبیا(ع) به دنیا اهتمامی ندارند و میراث آن را جمع نمی کنند، اما ممکن است به علتی، چیزی از میراث دنیا در اختیار آنان باشد؛ از همین رو، معمولاً آنها چیزی از میراث دنیا برای وارثان خود باقی نمی گذارند و آنها ارثی ندارند؛ یعنی اهتمامی به جمع آوری مال دنیا برای وارثان شان ندارند.

إن ما يورثونه الأنبياء(ع) من العلم والحكمة وخلافة الله في أرضه لمن يخلفهم من أوصيائهم، لا يترك لما يورثونه من تراث الدنيا لورثتهم قيمة مهما كان كبيراً عند المقارنة.

۲ - آنچه انبیا(ع) برای وصی شان به ارث می گذارند، علم و حکمت و خلافت خدا بر روی زمینش است و هر آنچه از مال دنیا باقی گذارند، در نظر ورثه ی آنها هیچ ارزشی ندارد هر چند با ارزش و بزرگ به نظر برسد.

ثم هل يصح في قضية فدك أن يرث المسلمون محمداً(ص)، ولا ترثه ابنته فاطمة(ع)؟ فإن لم تصح وراثه فاطمة بنت محمد(ع) لأبيها محمد(ص) عندهم، فبأي آية من كتاب الله وبأي رواية عن رسول الله(ص) صححوا وراثتهم بأجمعهم لرسول الله(ص)؟ وكيف صححوا وراثه عائشة لرسول الله(ص)، وجعلوا من حقها أن تسمح بدفن أبيها وعمر فيها، وتمنع دفن الحسن بن فاطمة(ع) بنت رسول الله(ص) فيها؟ فإن كانت الحجره تورث، فلفاطمة(ع) حصة فيها وللحسن(ع) حصة من أمه فاطمة(ع)، فكيف منعه وبأي حق منعه عائشة أن يدفن في ملكه؟!

۳ - حال، آیا این درست است که در ماجرای فدک، مسلمانان از محمد(ص) ارث می برند در حالی که دخترش فاطمه(ع) ارثی از ایشان نبرد؟! اگر ارث بردن فاطمه دختر محمد(ص) از پدرش حضرت محمد(ص) از نظر آنها صحیح نباشد، با کدام آیه از کتاب خدا و کدام روایت از رسول الله(ص) ارث بردن همگی شان از رسول خدا(ص)

را صحیح می‌دانند؟! چگونه ارث بردن عایشه از خانه‌ی رسول الله (ص) را درست می‌دانند؟ و حق او دانستند که اجازه بدهد پدرش و عمر در آنجا دفن گردند؟! و در عین حال مانع دفن شدن حسن فرزند فاطمه (ع) دختر رسول خدا (ص) در آن بشوند؟! اگر خانه به ارث برده می‌شود، پس فاطمه (ع) از آن سهمی دارد و حسن (ع) نیز از طرف مادرش فاطمه (ع) سهم خواهد داشت. چگونه مانعش شدند و با چه حقی عایشه مانع شد تا امام در ملک خودش دفن شود?!!

قال تعالى: (وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنْ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ) ([431]).

۴ - خداوند متعال می‌فرماید: « و داوود برای سلیمان ارث گذاشت و گفت: ای مردم، به ما زبان مرغان آموختند و از هر نعمتی ارزانی داشتند و این نعمتی است آشکار» ([432]).

وقال تعالى في قصة زكريا (ع): (وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا) ([433]).

در ماجرای زکریا (ع) خداوند متعال می‌فرماید: «من پس از مرگ خویش، از خویشاوندانم بیمناکم و زخم نازا است. مرا از جانب خود فرزندی عطا فرما * که میراث‌بر من و میراث‌بر خاندان یعقوب باشد و او را، ای پروردگار من، شایسته و پسندیده گردان» ([434]).

فماذا أراد الله بهذه الآيات ؟ ماذا ورث سليمان من داود ؟ وماذا ورث يحيى من زكريا عليهم السلام ؟

خداوند از این آیات چه منظوری دارد؟ سلیمان از داوود چه چیزی به ارث برد؟ و یحیی چه چیزی از زکریا (ع) به ارث برد؟

فهل أن بني إسرائيل ورثوا تراث داود وزكريا دون سليمان ويحیی (ع)؟! والله يقول: (وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) [435].

آیا هر آنچه داوود و زکریا به ارث گذاشتند را بنی اسرائیل به جای سلیمان و یحیی (ع) به ارث بردند؟ در حالی که خداوند می‌فرماید: « به حکم کتاب خدا، خویشاوندان به یکدیگر سزاوارترند و خدا بر هر چیزی دانا است » [436].

وإن قالوا: إنها النبوة والعلم والحكمة وخلافة الله في أرضه فقط لا غير. إذن كيف تقمّصوا الخلافة دون الحسن والحسين وهما ولدي رسول الله (ص) من فاطمة (ع)؟ وقد ورث هذه الخلافة الإلهية عيسى (ع) من داود (ع)، وهو ولده من مريم (ع)، والله يقول: (ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) [437].

اگر بگویند که ارث فقط نبوت، علم، حکمت و جانشینی خداوند در زمینش است و نه چیز دیگر، پس چگونه خلافت را از حسن و حسین (ع) به یغما بردند در حالی که آنها فرزندان رسول خدا (ص) از طرف فاطمه (ع) هستند؟! این وراثت الهی را عیسی (ع) از داوود (ع) به ارث برد در حالی که او فرزند داوود از طرف مریم (ع) بود و خداوند می‌فرماید: « فرزندان بودند، برخی از نسل برخی دیگر پدید آمده، و خداوند شنوا و دانا است » [438].

وكيف تقمّصوها دون علي (ع)؟ وقد تيقنوا أنها في ولد هاشم خاصة من ذرية إبراهيم (ع) بعد أن بعث محمد (ص) إن كانوا مؤمنين (أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا) [439].

چگونه جامه‌ی خلافت را به جای علی (ع) بر تن کردند؟! در حالی که آنها یقین داشتند که خلافت مختص فرزندان هاشم از ذریه‌ی ابراهیم (ع) بعد از بعثت محمد (ص) می‌باشد، اگر ایمان داشتند «یا بر مردم به خاطر نعمتی که خداوند از فضل خویش به آنان ارزانی داشته است، حسد می‌برند؟ در حالی که ما به خاندان ابراهیم، کتاب و حکمت دادیم و فرمان‌روایی بزرگ ارزانی‌شان داشتیم» ([440]).

وکیف تقصوها دون علی (ع) وهو أعلمهم وأحکمهم، إن کان فیهم من یحمل شیئاً من العلم والحکمة؟

چطور آن را به جای علی (ع) بر تن نمودند در حالی که از همه‌شان داناتر و حکیم‌تر بود؟! اگر که در بین آنها کسی پیدا می‌شد که اندک چیزی از علم و حکمت در وجودش می‌بود!!

علی کل حال فإنّ الله سبحانه بیّن أنّ الأنبیاء (ع) یورثون ویورثون، وکیفما فسّروا هذه الوراثة تبین بطلان تنحیتهم لعلی والحسن والحسین (ع) وبطلان اغتصابهم لحق فاطمة (ع).

به هر حال خداوند سبحان بیان می‌فرماید که انبیا (ع) ارث به جا می‌گذارند و ارث می‌برند و به هر شکلی که این وراثت را تفسیر کنند، آشکارا کنار گذاشتن علی و حسن و حسین (ع) و همچنین غصب نمودن حق فاطمه (ع) توسط آنها را باطل می‌کند.



[431] - النمل: 16.

[432] - نمل: 16.

[433] - مریم: 5-6.

[434] - مريم: 5 و 6.

[435] - الأنفال: 75.

[436] - انفال: 75.

[437] - آل عمران: 34.

[438] - آل عمران: 34.

[439] - النساء: 54.

[440] - نسا: 54.